

بشود و مال التجاره اش ترویج شود و صادراتش بر واردات زیادتی داشته باشد آقای وحیدالملک و سایر آقایان میگویند که در خارجه فلانطور است بلی آنطوریکه در مملکت فرانسه است خوب خوب است در اینجا معمولی شود ولی خوب است يك قدری هم تشریف بیاورند اینجا و مقتضیات اینجا را ببینند که این مردم بسهولت نمی آید که صدی پنجاه بپرند در صورتیکه دیگری شاید صدی چهل و نه یا صدی چهل قناعت نماید و باین واسطه می بینم هرچه ازین اقدامات شده است نتیجه گرفته نشد است و می بینم که تجار شاهم هیچ اقدامی نکردند که صادرات شما اگر زیادتر از واردات نباشد تساوی نداشته باشد و هرچه صادرات دارید تمام چیزهای طبیعی است که در کارخانه نمی سازند بنده تمنا میکنم هرچه ممکن است سعی کنید که يك روزی صادرات شما بر واردات زیادتی داشته باشد و تشویق کنید از اشخاصیکه بخواهند صادرات شما را زیاد کنند و آن تشویق هم شاید همین باشد که بگویند دیگری در داخله مملکت حق ندارد رقابت کند بعضی ها عقیده شان این است که دولت دستمی بدهد ولی عقیده کمسیون این بود که بگویند تا چهار یا پنج سال شما که سرمایه خودتان را صرف میکنید میتوانید اطمینان داشته باشید و دیگری با شما در این مدت رقابت نخواهد کرد بلکه ایشانرا مستغنی کنید از این صابونها و اینکه دانه پنجز از آزمایش می گیرند ابتدا که کمیانی این امتیاز را تقاضا کرد گفت من صابون تمام مملکت را میدهم ولی هر کس در هر ولایت صابون سازی ننماید کمسیون از برای اینکه دست سایرین هم بسته نباشد چند مکان محدود را معین کرده است که در اینجاها ساختن این قسم صابون منحصر باین کمیانی باشد و بنده شخصا عقیده ام این است که اینقدر از مساعدت خیلی خوب است که با اینگونه اشخاص بشود و بهیچ جا هم ضرر نمیخورد که مجلس در اینباب تاملی باشد .

(بعضی گفتند عده برای مذاکره کافی نیست)
نایب رئیس - چون عده کافی نیست خوبست بقیه مذاکره در کلیات این مطلب بماند برای جلسه آتی که در آن جلسه مذاکره شده و رای گرفته شود [اکثریت تصویب کردند]

حاجی آقا - ما هر وقت میآئیم در مجلس همینکه یکی نیمساعت میگردد بعضی ها قبل از اینکه موضوع مذاکرات جلسه آتی گفته شود یا اینکه بعضی گفتن دستور جلسه آتی از مجلس بیرون میراند من عرض نمیکنم این ترتیب پارلمانی نیست و در عهده رئیس یا قائمیان رئیس است که مراقبت داشته باشند و نگذارند احدی از نمایندگان قبل از انقضای مجلس تشریف ببرند

نایب رئیس - جلسه آتی روز پنجشنبه چهار ساعت بغروب و دستور آن از این قرار است بقیه مذاکره در کلیات امتیاز کارخانه صابون سازی بودجه مجلس مقدس - طرح آقای صدیق حضرت راجع بحراج رایورت کمسیون بودجه راجع بقویم السلطنه ایضا رایورت بودجه راجع بفلامر ضاخان
آقا شیخ اسمعیل هشترودی - بنده

می خواهم عرض کنم مسئله استقرار داخلی خیلی اهمیت دارد و مدتی است رایورت آن از کمسیون داده شده خوبست جز دستور جلسه آتی منظور شود.
نایب رئیس - فردا جلسه خصوصی در این مسئله مذاکره خواهد شد .
اسدالله میرزا - فردا موقع انعقاد کمسیون هاست دیگر جلسه خصوصی نمیشود
نایب رئیس - در اینصورت میماند از برای جلسه آتی مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۹۱

صورت مشروح مجلس روز شنبه دوم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای ممتازالدوله نایب رئیس تشکیل شد صورت جلسه روز سه شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی را آقای معاضدالملک قرائت نمود .

نایب رئیس - اعتراضی در صورت مجلس است؟
متین السلطنه - اعتراض بزرگ این است که چهار ساعت بغروب مانده اعلان میشود دو ساعت بغروب حاضر میشویم .

نایب رئیس - این اعتراض نیست آقایان در موقعیکه اعلان میشود باید خودرا مکلف بدانند که باید حاضر بشوند .

ادیب التجار - غرض من اینست که همانطوری که چند روز در آن اطاق اسامی غائبین در صورت مجلس نوشته میشد حالا هم خوب است بفرمائید بنویسند در روزنامهجات هم بفرمائید درج کنند که حاضر و غائب معلوم باشد (گفتند صحیح است) .

مؤتمن الملک - بنده عرض میکنم خوبست در این خصوص يك قراری بگذاریم اینکه هر وقت يك مذاکره در این باب بشود بگوئیم خیلی خوبست نمیشود اکتفا گردد .

نایب رئیس - در چه مسئله .
مؤتمن الملک - همین مسئله حاضر و غائب باید يك ترتیبی برای آن داده شود که هرروزه در محظورات نباشیم .

نایب رئیس - این مسئله سابقه دارد خاطر آقایان مسبوق است که در سابق صحبت شد و چندروز هم در صورت مجلس اسامی حاضرین و غائبین نوشته میشد بعد بعضی از آقایان اظهار داشتند که همچو چیزی در نظامنامه داخلی مجلس نیست حالا باز اگر صلاح است که نوشته شود ولی طوری نباشد که ثانیاً آقایان اظهار فرمایند که مخالف نظامنامه داخلی است .

مؤتمن الملک - صحیح است ولی باید رعایت نظامنامه داخلی هم بشود که در موقعیکه اعلام میشود حاضر باشند .

نایب رئیس - حالا ممکن است اگر لازم می دانید پیشنهادی بشود در صورتیکه تصویب نمائید يك ماده بر نظامنامه داخلی در این باب افزوده شود که تکلیف من بعد معین باشد .

متین السلطنه - چه ضرر دارد بنویسند و داخل مذاکره آن بشویم .

نایب رئیس - حالا نمیشود در این مطلب

بدون ترتیب داخل مذاکره شد که پیشنهادی بشود میورد بکمسیون و رایورت آن بمجلس آمد، مطرح مذاکره میشود .

رایورت کمسیون استقراضی است خواننده می شود .
 (رایورت کمسیون استقراضی را آقای میرزا مرتضی قلبخان قرائت نمود) .

نایب رئیس - در کلیات این ابتداء مذاکره می شود .

ارباب کیخسرو - چون در این جا نوشته شده است که کمسیون گرفتن اعانه را صلاح ندانست عقیده بنده هم همین است ولی عرض میکنم تقریباً یازده فقره وجه به اسم اعانه با اداره مباشرت رسیده است از قراریکه بنده اطلاع دارم مابقی هم از گوشه و کنار حاضر است و نمی دانند بکجا بدهند خوب است کمسیون مخصوص را برای اینکار معین نمائید که مرکز باشد و وجوه متفرقه نیز در آنجا جمع شود تا تکلیف کلی معین شود و این وجهی که با اداره مباشرت رسیده است علی العجله بیهوده گذارده نمی شود و عقیده بنده این است که خوب بود وزارت مالیه درین موقع تشریف میداشتند که با حضور ایشان این مطلب مطرح میشد بعضی مطالب که بنظر ایشان می رسید اظهار میداشتند .

نایب رئیس - وزیر مالیه الان تشریف خواهند آورد .

شیبانی - بنده اساساً این استقراض را تصویب می نمایم و چنانچه خانه خود را حاضرم بفروشم و وجه آنرا بدهم و اطلاع دارم که جمع کثیری با کمال میل و شوق حاضرند حتی زنها حاضر شده اند که زینت های خود را فروخته بدهند ولی بدو آبرای اینکه مردم حالی کرده باشیم که این وجه برای رفع احتیاج شما گرفته می شود و موجبات اطمینانی برای آنها فراهم کنیم چون مسئله شرکت عمومی و بانک ملی اذهان مردم را مغشوش کرده است خوبست اولاً از هیئت وزراء بخواهیم که امر آنها را تصفیه کرده و اعلان کنند به هر کس با هایت شوق و طیب خاطر حاضر خواهد بود که آنچه برای او ممکن است در کمال اطمینان بدهد و اینرا نه این است که فقط از خانواده خودم بگیرم بلکه از ولایات چه کتی وجه تنگرافی خبر دارم که بعد از تصفیه این کاری که عرض کردم مردم با کمال شوق حاضرند .

نایب رئیس - خوبست اولاً در اساس این رایورت صحبت شود که می توانم رای بگیرم

محمد هاشم میرزا - بنده راجع باعانه عرض داشتم می خواستم عرض کنم آنکه کمسیون اعانه را تصویب نکرده است مقصود اینداین باشد که اعانه گرفته شود والا اگر کسی خودش بخواهد اعانه بدهد کمسیون آن را رای نداده است که نگیرند .

حاجی شیخعلی - شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که اگر خودشان بخواهند اعانه بدهند قبول خواهیم کرد بنده عرض می کنم که باید قبول کرد مثل اینکه در ولایات جمعی حاضر شدند

واعانه جمع کردند از قبیل زنجان و سایر جاها بمجلس اطلاع دادند بعد که جواب داده شد اعانه گرفته نمیشود آنرا پس دادند .

اسدالله میرزا - بنده گمان میکردم در کلیات این مطلب هم مذاکره نخواهد شد و تمام تصویب خواهند کرد این ترتیبی را که کمیسیون اتخاذ کرده است بیک ترتیبی است که تمام جرایم آنرا تصدیق کرده اند و تقریباً مطابق افکار عامه است و عموماً تصدیق میکنند که بهتر از این ترتیبی نیست و دو فقره از مذاکراتی که در آنجا شد راجع باسناد استعراض نبود ولی آقای ارباب در خصوص اعانه چیزی اظهار کرده اند لازم شد یاره توضیحات را عرض کنم - مسئله اعانه را همانطوریکه تصویب کرده است بنده خیلی صحیح میدانم و بعقیده شخص خودم هم صحیح میدانم برای یک دولتی که دارای همه جور اعتبار است و دارای همه جور ثروت طبیعی است ابداع صلاح نیست اسمی از اعانه ببرد بطوریکه کمیسیون تصویب کرده است آنچه که دولت میکیرد با اجل باید پس بدهد مثل ترتیب تجارتی و اینکه گفته شد اگر خودشان بخواهند اعانه بدهند پس میبایست یا نه بلی کسی را نمیشود مجبور کرد که اعانه بدهد ولی اگر خودش میل کرد بدهد عقیده بنده این است که آنرا مثل سایرین داخل سهام استعراض کنیم و مثل سایرین برای آنها سهام بفرستیم برای اینکه هیچ دلیلی ندارد که ما پول یکی را اصلاً و فرما بدهیم و پول دیگری را مجاناً قبول کنیم و با چیزی رد نکنیم یکی از آقایان در ضمن بیانات خودشان اشاره باین کردند که شرکت عمومی بانک ملی اذهان را مفتوش و مشوب کرده است این مسئله ابداً ربطی باین استعراض الیه ندارد در این مسئله استعراض خیلی دقت شده است که همه جور اسباب اطمینان مردم فراهم بیاورد اولاً ملک مجلس ۷۰ نفری که مجاناً نیست و اگر انشاء الله بشود یک مجلس ۱۲۰ نفری نظارت خواهند داشت و یک هیئتی مرکب از (۷) یا (۸) نفر متخصص در مالیه را هم ممکن است انتخاب نمایند که برای این کار مراقبت داشته باشند و ممکن است آن منتخبین از وکلا باشند یا خیر ایشان از کسانی که محل اعتماد باشند یا اینکه از ادوایا یکی رز که بصیرت و اطلاع کامل داشته باشند آورده برای ابتکار بکارند که ترتیب صحیحی بر سهام اصلاً و فرماً داده شود هم جور دقتها و ملاحظاتی در کمیسیون شده است که ابتکار از روی ترتیب صحیحی اداره شود و آن خرابیهای که در سابقاً شده بود این دفعه تجدید نشود .

اسباب انزجار عامه شود امیدوارم از توجهات اولیای دولت و ملت که این کار بخوبی اداره شده مثل سابق نشود یک چیزی که محل اعتراض آقایان باشد نه بود توضیح آنرا لازم باشد عرض کنم .

وکیل الرعاوا - استعراض داخلی را ما بر حسب تکلیفی که خود ملت بفرمودند ما هم راضی شدیم و گمان نمیکند که کسی در اینجا مخالف باشد ولی یک چیزی گفته شد که بنده باوجود اینکه با شاهزاده اسدالله میرزا مخالف نیستم لازم دانستم توضیح بدهم که در اینجا

مصرف شدم گفته شد شرکت عمومی و بانک ملی این ها خیلی باهم فرق دارد هیچ کس حق ندارد که نسبت این دو را بهم بدهد آن مسئله شرکت بوده اینجا مسئله استعراض است شرکت نیست و در شرکت عمومی دولت همه جور مساعدت را کرد با ملتش حالا آنها چطور مهربانی کردند باشد بجای خودش تا این که در وقتش عرض کنم امام مسئله بانک ملی بنده عرض می کنم آن کسانی که بیا ملک ملی پول دادند حق دارند که پولهای خودشان را در ظرف بکفایت بیابند با صدی ۱۲ از من بگیرند و یک اشتباه بزرگی در این جا شده است که لازم است تفصیل آن را عرض کنم و همه خاطر هارا متوجه کنم بانک ملی در وقتی که میخواست تشکیل شود قرار شد وجهی که میدهند در تجارتخانه طومانیاس و ارباب جمشید و حاجی محمد اسمعیل بدهند و یک مبلغی هم آوردند و دادند و بعد از یک مدتی که معلوم شد آن امتیازی که بباک داده شد بکارش نمیخورد و قرار شد یک تجدید نظری بشود گفتند که صاحبان سهام بیابند حق خود را بگیرند و تمام اشخاص رفتند پول خود را با صدی ۱۲ و ۱۳ گرفتند و بعضی فقط اصل پول را گرفتند و تنزیل قبول نکردند و بعضی اشخاص خیلی ملاحظه داشتند رفتند بگیرند و یک وجهی نزد طومانیاس و ارباب جمشید و حاجی محمد اسمعیل ماند که صاحبان آنها هم معلوم است ولی طومانیاس و حاجی محمد اسمعیل دخالت نکردند فقط حاجی امین الضرب و ارباب جمشید گرفتند و به بنده گفتند که اعلان کنید هر کس پولش باقی است بیاید بگیرد و آنچه پیش حاجی محمد اسمعیل است ۱۴۰ تومان است و آنچه پیش ارباب است چهارصد و خورده است بعد که محمد علی میرزا از صاحبقرانیه آمد و گفت من امروز برای پول معلوم و یک چیزی اید بدهید ما هم اجابت کردیم و مخالفتی نمیکردیم در این چیزها برای اینکه الفه این هم برای مخارج مملکتی بود و خوش بختانه آن کسانی که در آن مورد پول دادند یکی ظل السلطان بود (۷۰۰۰۰) تومان داد بدهند پولش را دادم و سندش را پس گرفتند و یکی دوتای دیگر که پول آنها را دادند و سندشان را پس گرفتند یکی شیخ خزعل خان بود که (۱۲) هزار تومان داده بود که کسر مالیات گذاشت و گذشت و آن اشخاصیکه بقیال خودشان پول داده بودند گفتند حالا که میخواهید پول ما را بدهید ما میرویم قبض بیاوریم شما از روی آن پول ما را بدهید مجلس هم چون مقصودی نداشت قرار گذاشت که از صد تومان کمتر را بگیرند و از آن قبیل (۱۱۰۰۰) تومان مال مرحوم حاج آصف الدوله بود که پس دادم بعد مجلس مرا مأموور کرد که بروم آنها را که نباید قبول کرد رد کنم بنده وقتیکه رفتم و رسیدگی کردم آنچه که باید قبول کرد خیلی کم است و تقریباً باید تمام را بپردازم بدهم محمد علی میرزا بجای اینکه همراهی کند با این مطابق میل او نبود یا اینکه بفرماید خودشان بود من نمیدانم باید اینگونه فردا بیایم خدمت کنیم صبح که آمدم جای ما کوله توپ است و ما منصفدوئی که اسناد توی آن بود و مال من بود آنرا روی توپ گذارده اند و این آقای رئیس که اینجا نشسته است شاهد است که روی توپ گذارده اند و بردند دیگر بانگلی چه

تقصیری دارد عریض بنده بیشتر از اینها است ولی برای اینکه تصدیق نداده باشیم بهیچقدر اکتفا میکنم و عرض میکنم این استعراض دولتی است و آنها هیچ واقف معنی اسلام و اینکه تا اندازه وطن فدا کاری لازم دارد میدانند در ابتکار اقدامات فعلی لازم دارند و در باب شرکت و بانک هم که تصوری نه بوده است و تسلیم هم بیش از این نمیشود که دولت داده است و آن اشخاصیکه خود را وطن پرست و اسلام دوست میدانند این جا موقع امتحان است که فدکاری خود را ظاهر کنند حالا اگر خدای نخواستہ قصوری کرده اند خود بدانند .

نایب رئیس - این اظهاراتی که آقای وکیل الرعاوا کردند اگر چه داخل موضوع نبود از موضوع هم خارج بود ولی برای اینکه اذهان از ترتیب بانک ملی مسبوق باشد خیلی مفید بود حالا خواهش می کنم از آقایان که ملاحظه موافق و مخالف را بنمایند و از موضوع خارج نشوند .

وکیل التجار - در اساس این استعراض جای گفتگو نیست ولی بعضی مقدمات اینجا است که در هر استعراضی لازم است مراعات شود و آن این است که اولاً باید بدانیم چه مقدار وجه لازم داریم یا اینکه ببینیم چه قدر محل تأدیبه داریم که بتوانیم در مدت معین آنرا مستهلک ننمائیم البته محل شایب خیلی زیاد باشد ما باید بدانیم که اولاً چه قدر پول لازم داریم و ثانیاً بودجه مملکت ما چه قدر است و حساب آن در دست ما باشد و بدانیم که این وجه در کدام مصرف باید خرج شود و آن مصارف چقدر است و چه میزان است و چه خطوط است مثلاً راجع بنظام چقدر لازم است و چه قدر در مقابل آن پول داریم و همین طور در سایر وزارتخانهها چقدر محل داریم و چقدر پول داریم و کسر آن چقدر است اینها چیزهایی است که مقدمتاً باید آنها را بدانیم ولی اساس این استعراض خیلی خوب است لیکن بطوریکه بنده دیده ام و شنیده ام در هر جا که بخواهند استعراض کنند اول وجه استعراضی را تعیین میکنند که چقدر باشد بعد مصرف آنرا تعیین میکنند که چقدر آن از برای هم مصرفی خرج خواهد شد آنوقت اگر اضافه داشتند ننگه میدارند که در مصارف لازم خرج نمایند در اینجا هم رعایت این مقدمات لازم است این عقیده بنده است که لازم میدانم و نیز لازم میدانم که وزیر مالیه تشریف بیاورند و در اینجا حاضر باشند که بعضی اطلاعات خودشان را که دارند بگویند و توضیحاتی که لازم است بدهند چون از چیزهایی که داریم که در این مورد دانستن آنها لازم است که در آن موارد کسر نداریم مثلاً اینکه از برای نظام داریم آن مبلغی را که برای ترتیب سی هزار قشون منظم کفایت کند و همین قسم سایر جاها باید بدانیم در آن مواردیکه میگویند کسر داریم تا اینکه آنرا معین کنیم و همچنین از برای سایر وزارتخانهها این عقیده شخصی بنده بود و آن چیزیکه لازم دانستم عرض کردم حال سایر آقایان هر چه به نظرشان میرسد لابد خواهند فرموده .

اسدالله میرزا - بنده منتظر بودم که آقای

وکیل التجار از همه آقایان بیشتر تمجید کنند که مورد قرض خودمان را با اندازه مجلسی که داریم تصویب کنیم برای اینکه بیشتر از سایر آقایان از ترتیب مسبوق اند عرض میکنم گویا از خاطر ایشان رفته است که چه باعث شد که یک چنین چیزی را پیشنهاد کردند کابینه وزرای دولت جدید یک پروگرامی آوردند و گفتند که یک مبلغی پول لازم است و مجلس هم برای اینکه آن پروگرام را تصویب کرده بود و از برای بعضی مخارج لازمه و اصلاحات فوری تصویب کرد که بشرايط صحیحه که بنظر مجلس میرسد در خارج استعراض کنند این مسئله معلوم شد چنانچه در جرأه خواندیم و شنیدیم شرايط جانگدازی بود که هر ملتی که خواهان استقلال و ترقی مملکت خود بود ممکن نبود آن شرايط را بپذیرد و این استعراض را بنمایند این بود که ملت آن شرايط را شنیدند و اظهارات کردند که خودمان حاضریم که این وجه را بدهیم و بعد از این اظهارات و فشار هائیکه دادند و بعد از اینکه قبل از وقت بعضی جاها و جوهات جمع آوری کردند مجلس شورای ملی کمیسیونی انتخاب کرد که آن کمیسیون بنشینند و در این باب تبادل افکار کرده رای بدهند این بود که کمیسیون هم در این خصوص بعد از ملاحظاتی و مذاکرات اینطور رای داد و اما اینکه قبل از وقت بگوئیم چقدر لازم داریم این يك مسئله است خارج از این ترتیب که باید وزیر مالیه يك روزی بیاید و بودجه تمام مملکت را بیاورد آنچه خرج مملکت است در یک طرف بنویسد و آنچه که عایدات دولت است در طرف دیگر بنویسند و بعد تعدیل بکنند ببیند چقدر کسر داریم و اما در باب مصرف این وجه برای بعضی اصلاحات اساسی است که منوط بتصویب مجلس شورای ملی است که بهر مصرف اساسی تصویب نماید خواهد رسید و الا اگر این وجه را جمع بکنند از برای اینکه فردا فلان وزیر بیاید بگوید که فلان سرباز یا فلان فوج می خواهد حرکت کند و فلان قدر وجه لازم است نمی شود این وجه را از برای این قسم از مصارف خرج کرد این برای اطلاعات اساسی است که به تصویب مجلس باید خرج شود .

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - عرض بنده راجع باعانه بود این که گفته شد که اگر کسی اعانه بدهد قبول نمی کنیم ممکن است که آنرا بگیریم برای مصارف صرف کنیم .

کاشف - بنده عرض می کنم مطالب را نباید داخل هم کرد مسئله معارف هیچ ربطی باعانه ندارد کسانی که اعانه میدهند ممکن است همانطور که گفته شد قبول آنها را مثل سهام استعراضی بپردازند بعد اگر خودشان بخواهند در مصرف معارف صرف کنند مختارند .

نایب رئیس - مذاکره در کلیات کافی است معلومی شود اساساً مخالفی نیست حالا رای می گیریم برای اینکه داخل شور مواد شویم کسانی که تصویب می نمایند قیام کنند .

(اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد شروع در شور مواز شد)

(در ماده ۱) بعد از مذاکرات زیاد آقای دکتر

علی خان پیشنهادی از قرار ذیل نمودند این بنده پیشنهاد می کنم که فقط بعضی از ماده اول حذف شده فقط نوشته شود که به مصرف اصلاحاتی که مجلس شورای ملی تصویب می نماید خواهد رسید در قابل توجه بودن این پیشنهاد اخذ رای شده با اکثریت رد شد .

نایب رئیس - شور در بقیه این لایحه می ماند برای جلسه آتی به حالا بعضی از آقایان سئوالاتی از هیئت وزرا دارند - آقای مؤتمن الملك سئوالی داشتند از وزیر فرایده عامه و وزیر مالیه بفرمائید .

مؤتمن الملك - بنده از هیئت وزراء بخصوص وزیر مالیه و وزیر فرایده عامه سئوالی داشتم راجع بعضی عوارضاتی که بغیر قانون اخذ میشود چون بنده خوش ندارم که بعضی اراجیف را که می گویند وی تحقیق اینجا می آورند مطرح مذاکره کنم از این جهت اول از وزیر مالیه و وزیر فرایده عامه سئوال میکنم که بعضی عوارضاتی که می گویند از مردم می گیرند صحت دارد یا خیر مثلاً اینکه میگویند پنجهزار ازهر باری ذغال از طرف وزارت فرایده عامه گرفته می شود صحت دارد یا ندارد دیگر اینکه در شمرانات از قرار تعقیق اداره قیام خیلی تعدی می کند و یک شکایتی از آنجا کنی برای بنده رسیده است که مینویسد کافذی قرائت نمود مشعر بر اینکه از آنروزی که اداره قیام در شمرانات دایر شده از تمام اشیائی که حمل و نقل میشود از یک الی چهار بار از تمام چیزها مثلاً از ترش درخت کدورت برای سوخت خانه خود تهیه میکنند باری پنجشاهی دریافت میکنند حتی اینکه از دوبار ترش ما مورین دهشاهی گرفته بودند بعد که صاحب بار بارداره عارض شده بود اداره صد دینار آن را رد کرده بود و گفته بود باری یک عباسی گرفته شود و اینکه زیاد گرفته است بنده میخواستم از آقایان وزراء بخصوص وزیر مالیه و وزیر فرایده عامه سئوال کنم این مطالب صحت دارد یا خیر و در صورت عدم صحت قانونی است یا غیر قانونی و اگر صحت دارد سئوال میکنم که در این باب جلو گیری چه اقدامی شده است چون امروز ما می بینیم بعضی اشخاص هستند بعضی انتشارات میدهند و مقصود آنها معلوم است و اگر هیچ مانعی نمیداشت میتوانیم بگوئیم اهمیتی ندارد ولی بدبختانه بعضی از عوارض بنده است و مجلس برای آنها قانونی وضع کرده که بنده از مردم بگیرد حالا صحیح نیست که مردم بگویند عوارض دیگری هم هست که از شما خواهند گرفت و خواهش میکنم از وزیر مالیه و وزیر فرایده عامه که در این باب جواب بدهند بفرمائید .

وزیر مالیه - این اطلاعات را که میفرمائید بنده عرض نمیکند بکلی بی اساس است آنچه که راجع بمسئله ذغال است که وزارت مالیه ابداً اطلاع ندارد و گویا وزارت فرایده عامه هم اطلاعی نداشته باشد باین جهت آنرا تکذیب میکنم و اما آنچه که راجع بساداره قیام است مسئله قیام يك چیز تازه نیست معمول شده باشد از عایدات سابق است نهایت این است که وزارت مالیه برای اینکه يك ترتیبی در آن بدهد و همچنین برای ادخال اصلاحات در کلیه عایدات مملکت مجبور بوده است که يك ترتیبی

در کلیه آن بدهند بدیهی است ترتیبی که داده میشود بالضروره میبایستی کسانی که خودشان را از بعضی عوارضات استثناء کرده اند مثل سایرین بدهند مسئله قیام يك چیزی بوده است که بطور بی ترتیبی گرفته میشد حالا وزارت مالیه در طهران آنرا در تحت ترتیب در آورده است و معلوم است چیزیکه در مرکز شروع شد در ولایات هم میبایستی آن نظم و ترتیب مقرر شود این بود که در بعضی ولایات خواستند شروع کنند و از آنجمله در شیران هم شعبه دایر کردند لیکن در شیران دیدند که این مسئله صرف نمیکند و عایدات آن آنقدر نیست که کفاف مخارج آنرا نماید این بود که از وزارت مالیه قدغن شده فعلاً موقوف باشد .

وزیر فرایده عامه - اما در مسئله ذغال بنده خیلی تعجب میکنم که يك چنین چیزی در مجلس اظهار شود چطور مجلس قبول میکند که بنده چنین مالیاتی وضع کرده باشم و حکم کرده باشند بگیرند بدون اینکه در مجلس مذاکره شده باشم و از مجلس گذشته باشد و خیلی تعجب میکنم که این انتشارات را داده است و چطور شده است که مجلس قبول کرده است .

مؤتمن الملك - بنده خیلی خوشوقت شدم از جوابی که وزیر فرایده عامه و وزیر مالیه اظهار کردند بنده هم این اراجیف را قبول نکردم اگر قبول کرده بودم استبضاح میکردم نه سئوال و عقیده بنده این است وزارت داخله باید از این قبیل انتشارات جلو گیری نماید مثل اینکه مردم میگویند از شما بعضی مالیات ها خواهند گرفت حتی زنها شمارا میکنند اگر از پانزده من زیاد تر شد مالیات میگیرند جلو گیری از این قبیل شایعات از وظیفه مجلس شورای ملی خارج است وزارت داخله باید مردم بفرماند که بچه چوچه از این قبیل قوانین از مجلس نگذشته است و اینها فقط کار های مفسدین است که اینطور انتشارات را میدهند و مقصود بنده سئوال بوده اینکه خواسته باشم بهیئت وزراء اعتراض کرده باشم .

معاون وزارت داخله - پسر امروز در کمیسیون داخله از علت کمی ذغال و گرانی مذاکره شد گفتند ذغال فروشها انتشار دادند که در معادن از بعضی بارها پنجقران و از بعضی یک تومان گرفته میشود این مطلب بکلی بی اصل بود اعلانی در این باب از وزارت داخله شده است که این مطلب بکلی بی اصل است و فردا منتشر میشود .

نایب رئیس - آقای حاج فاتح الملك سئوالی داشتند از معاون وزارت داخله در باب کمی نان بفرمائید .

حاج فاتح الملك - بنده از معاون وزارت داخله میخواستم سئوال کنم که در باب نان چندی قبل کارنان قدری بصحبت دستخاسته افتاد شاهزاده اسدالله میرزا سئوالی کردند و معاون وزارت داخله جوابی دادند تقریباً ایشان را متقاعد کردند که تا قره جامادی اولی يك قرار می دهند و گندم بقدر کفایت وارد میکنند که امر نان بکلی منظم شود بر عکس این روزها می بینم که امر نان بیشتر از سابق بسختی کشیده و

عرض می کنم ما نباید هنوز عادت سابق را داشته باشیم که هر وقت از امران سؤال می کردند جواب می گفتند از اقبال بی زوال شهر یاری خیلی خوب و فراوان است بنده امروز صبح و بعد از ظهر مخصوصاً از دکان نانوائی عبور میکردم دیدم که خیلی سخت شده است و از معاون وزارت داخله سؤال میکنم که آیا بانان اقداماتی که در سابق گفته بودند شده است و تا اول جمادی الاولی اصلاح خواهد شد و فلان قدر آرد خواهد رسید چه شده است که تا امروز آن اقدامات بجائی نرسیده است و مردم این طور بی تابی و داد و فریادی کنند

دبیر الملک [معاون وزارت داخله] مسئله نان یکی از مسائل مهمه این شهر شده است و چند روز است مشغول مذاکره هستیم در چند روز قبل که نان کم شده معلوم شد مال باندازه لزوم برای حمل گندم موجود نبوده است و شروع بکار شدیم و اگر نمایندگان محترم میخواهند از ترتیب اقدامات وزارت داخله مفضلاً مستحضر شوند اجازه فرمایند دوسه اینکار را بیاورم که معلوم شود در شبانه روز ۲۴ ساعت ۹ ساعت من و وزیر داخله وقت خود را صرف اینکار می نمایم چنانچه آقای حاج وکیل الرعایا هم اطلاع دارند و در این باب اقدامات فوق التصور کرد ایم دسته شتر دار و غیره از ایالات اطراف حرکت داده ایم و بیست دستگاه گاری هم طرف عراق و فرزون فرستاد ایم و بر حسب خبری که امروز رسیده است از هشت روز قبل تا امروز هزار ریاض خوراز از عراق و سیصد و پنجاه خوراز از همدان و دو بیست و پنجاه خوراز از فرزون و زنجان گندم حمل شده است و سوار امتیه هم معاف آنهاست که سرعت برسد و اگر نمایندگان محترم صورت واردات این شهر را می داشتند میدانستند که در سابق فقط روزی پانزده الی شانزده بار گندم وارد این شهر می شد و امروز سیصد الی سیصد و پنجاه رسیده است و بعد هم زیادتر خواهد شد مثل اینکه امروز سیصد و خرورده وارد شده است و اما این را آقایان بدانند علت اینکه امران قدری صعوبت دارد چیست این است که هنوز سر خرمن نریخته است و ما هم نمی توانیم اجازه بدهیم نان را خیلی گران بفروشند که آزاد بشود آنوقت تمام مردم گندم بیاورند و بفروشند و مجبوریم بقمیتی که دولت گندم وارد می کند بفروش و یک علت دیگر این است که هم باندازه کافی موجود نیست که یک دقمه زیادتر خرید و حمل شود.

حاج فاتح الملک - اگر نظر مبارک آقایان محترم باشد در چندی قبل معاون وزارت داخله همین جواب که ما را در فراموشی فرستادند و حالا هم میدانم شاید بهمین طوریکه گندم رسیده است و شاید بعد از این هم برسد ولی عرض میکنم امیدوارم که این اطمینان مثل سابق نباشد و طوری شود که امر نان اصلاح شود.

معاون وزارت داخله - عرض کردم اگر خواسته باشند بتفصیل از اقدامات [وزارت داخله] مسبوق شوند خوبست فرمایند که دوسه اینکار را که تقریباً یک کتاب مفصلی است بیاورم ارائه بدهم لیکن امیدوارم این مسئله نان به دولت رفع

شود و بکلی رفع این اشکالات شود.

نایب رئیس - ده دقیقه تنفس است.

(مجدداً جلسه تشکیل شده)

نایب رئیس - در فقره کمیسیون فوق العاده بنا بود انتخاب شود یکی کمیسیونیکه آقای مومنین الملک تقاضا کرده بود و یکی کمیسیونیکه بنا بود برای طرح آقای حسنعلی خان راجع بمشولیت وزیر دربار از مشایب انتخاب شود حالا اسامی اعضاء این کمیسیون خوانده میشود.

آقای معزز الملک - کمیسیون که آقای مومنین الملک تقاضا کرده بودند.

صدیق حضرت د. کتر اسمعیل خان - احد الله میرزا - میرزا محمدعلی باغان تربیت ذکا الملک - وکیل الرعایا کمیسیون که برای طرح آقای حسنعلیخان راجع بمشولیت وزیر دربار معین شده

مؤمن الملک - حکیم الملک - آقای میرزا محمدصادق طباطبائی - اسان العکماء - ممتاز الدوله - حسنعلیخان

نایب رئیس - خوبست بعد از مجلس آقایان منتخبین جمع شده هیئت رئیسه خودشان را انتخاب نموده مشغول مذاکره شوند - تلگرافی از شاهزاده امیر اعظم بعنوان آقای رئیس الوزراء رسیده است قرائت میشود (قرائت شد)

نایب رئیس - این هم تلگرافی است که از انجمن ولایتی اردبیل رسیده است برای استحضار آقایان خوانده میشود (قرائت شد)

دکتر علیخان - تا بحال چندین فقره تلگراف از اردوی دولتی و اردبیل رسیده است و عرض کردم مجلس باید اظهار تشکر از خدمات وزحمت بختیارینها بکند و تا بحال اظهاری نشده است.

نایب رئیس - چرا تشکر شده است مخصوصاً برای سردار بهادر تلگراف از طرف مجلس شده است راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بامتیاز صابون سازی قرائت میشود.

(آقای میرزا مرتضی قلیخان راپورت را قرائت نمودند)

حاجی آقا شیرازی - بریر روز در کلیات این امتیاز مذاکره شد و ناقص ماند و گمان میکنم خیلی از آقایان هم در این باب نظریات داشتند که موقع نشد بیان فرمایند حتی اینکه مخیر کمیسیون هم فرمودند من مدافعه از کمیسیون نمیکند و بقیه بنده باید در کلیات این امتیاز گفتگو کرد که اساساً به بینیم که مسئله انحصار صناعات در مملکت ما مفید است یا خیر هیچ کتاب یا مقاله ثروتی تصدیق نکرده است که یک صنعتی که در مملکت برای جمعی ولو ده نفر مفید باشد میتوان او را اجازه انحصار داد هیچ کس این معنی را تصدیق نمی کند که یک صنعتی که در یک مملکتی رواج دارد و اهالی هزارها را امیدواری دارند که بعد از تنظیم ادارات از آنها استفاده کنند این انحصار در آن صلاح حال آن مملکت باشد این جا که نظر باید کرد یکی جهت ترویج و ترقی تجارت و یکی از جهت ترویج صناعت که رفته رفته صنعت ماروبه ترقی گذارده باعث ازدیاد ثروت میشود و انحصار یک صنعتی گمان میکنم از هر دو جلوگیری کند هم جلوی ترقی را بگیرد و هم اینکه اگر کسی بخواهد یک رشته صنعتی در دست بگیرد نتواند بزرگترین

دفاعیکه امروز در این جا شد این بود که گفته شد یک شخص که میخواهد سرمایه کلی خود را در یک صنعتی بکار ببرد باید یک طوری کرد که از اقدامات و سعی های خود نتیجه بگیرد و خرجی که میکند فائده ببرد بنده عرض میکنم به بین دلیلی که این شخص میخواهد از سرمایه خودش استفاده کند صاحب یک سرمایه دیگری هم می خواهد از سرمایه خود فایده ببرد چه دلیل دارد که بیک نفر که سرمایه دارد انحصار بدهیم و از هزار نفر دیگر سلب امتیاز کنیم و نگذاریم که آنها هم از سرمایه خودشان استفاده نمایند سرمایه را که در یک چیزی بکار می اندازند درجات فائده اش مختلف است از صدی پنج است تا صدی ده تا صدی سی بنده عرض می کنم کسانی که صاحب سرمایه هستند اگر دلشان بخواهد آن درجه اعلائی منفعت سرمایه خودشان را که صدی سی است ببرند و جلو گیری کنند از دیگری که میخواهد سرمایه خود را بکار بیندازد و صدی ده یا صدی بیست منفعت ببرند چه دلیلی دارد بمانند این که در این مملکت که ما بگوئیم آن شخص صدی سی منفعت ببرد و دیگران که صدی ده می خواهند منفعت ببرند نبرند فقط گفته شد اگر آن امتیاز را با ما ندهیم سرمایه خودش را بکار نمی اندازد از سرمایه او استفاده نمی شود بنده عرض می کنم برای چه و از روی چه دلیل هر کسانی که در این مملکت صاحب سرمایه زیاد هستند تمامشان باید اهل درجه منفعت را جالب باشند و اگر کسی کمتر از اوقاف خود را امانت شویم علاوه در این امتیاز دو انحصار می بینم یک انحصار مکانی یک انحصار زمانی و در این انحصار بنده درست نمی فهمم که غرض چیست اگر غرض هائی که در این بلادی که نوشته شده است منحصر باوست غرض هائی که مثلا در سمنان و دامغان یک کارخانه دیگر احداث بکنند این معلوم است در سمنان کارخانه صابون سازی نخواهد بود یعنی کسی کارخانه صابون سازی در سمنان نخواهد وارد کرد و اگر غرض این است که کارخانه صابون سازی این شخص که مثلا در طهران است تجارتش را در این بلاد بطور انحصار می کند باین معنی که در این نقاط فقط او حق صابون فروشی دارد نه غیر او که کسی دیگر نمیتواند در این حدود صابون بفروشد گمان نمی کنم اینطور باشد و کمیسیون هم تصور نمی کنم این را تصدیق کرده باشد یا آن که غرض اینست که فقط صابون این کارخانه را در این حدود م. خواهد بفروش برساند آنهم صحیح نیست برای این که این یک مصارفی کرده و یک کارخانه وارد کرد اگر در این حدود صابون او فروش رفت نمی تواند صابونش را به نقطه دیگر حمل نمایند این هم تصور نمی کنم صحیح باشد پس حاصل این دو انحصار را درست بنده نفهمیدم.

مفتصر السلطان - بریر روز عرضی که در اینجا کردم عقیده شخصی خودم بود ولیکن دفاعی که می کنم از عقیده کمیسیون است در باب اینکه فرمودند امتیاز شخصی مانع ترقیات تجارتنی و صناعتی است اینطور نیست بجهت این که اگر ما بخواهیم در مملکت ما همه قسم ترقیات مملکتی اول تجارتنی و صناعتی حاصل شود باید از اشخاصی که اینگونه اقدامات را می کنند همه قسم همراهی کنیم که آنها بتوانند سرمایه خودشان را در کار بیندازند بهترین همراهی محال اطمینانی که با آنها هم داده میشود و اگر آنها بکلی نمانند هیچ کسی اقدام با آوردن کارخانجات

نمیکند و اگر مثلا یک نفر یک کارخانه وارد کند و انحصار بدهیم ممکن است دیگری هم وارد کند در این صورت شاید در این مملکت از کارخانه منفعتی که باید حاصل شود نشود یعنی این سرمایه کلی که صرف آوردن یک کارخانه شده است و صالی صدی بیست الی صدی سی باید فائده ببرند از آن این فائده حاصل نشود علاوه هر دو آنها از کار می افتند و فقط یکی از آنها برای ما میماند بیفائده پس باید انحصار تا یک مدت در چند محل بصاحب امتیاز دارد که در آن محلها کارخانه دیگری وارد نشود که اسباب تعطیل این کارخانه و بالاخره از بین رفتن هر دو سرمایه بشود و اینکه فرمودند کسان دیگر هم حق ندارند صابون درین حدود بفروشند یا آنکه حق ندارند و اما صاحب امتیاز خودش را می تواند بنقطه دیگری از حدود معینه حمل نماید این بدیهی است هر کس ممکن است که صابون کافی السابق درست نموده و بفروشد و صاحب امتیاز هم حق خواهد داشت که صابون خودش را در تمام مملکت بفروشد این امتیاز مکانی فقط از برای اینست که در این حدود دیگری کارخانه وارد نماید و اگر فرضاً یک کارخانه در آذربایجان باشد می تواند که صابونش را در حدودی که در این امتیاز معین شده آورده و بفروش برساند و در خصوص امتیاز زمانی اختیار با مجلس است اگر ۸ سال را بدهد میماند کم نماید و الا در اینست که مساعدتی باید بچنین اشخاص بشود شاید محل اختلاف نباشد.

وکیل التجار - اولاً میخواستم خاطر مبارک آقایان را متوجه این نکته نمایم که این انحصاری که درین لایحه است امتیاز تجارتنی است نه انحصار و امتیاز صناعتی دیگر آنکه میخواستم عرض کنم که در اینگونه اقدامات که بعضی میکنند و مبتکر می باشند ذولت باید در حق آنها مساعدتی نمایند لیکن چیزی که لازم است دولت هم قدری در آن مذاکره کند این است که کسیکه یک امتیازی در یک محوطه میخواهد ما هم که قرار شد یک انحصار بیک شخص بدهیم باید چند اطمینان با داشته باشیم اولاً باید دید که این صاحب امتیاز قدری سرمایه دارد که رفع احتیاج اهالی آن محوطه را بنماید که در آنجا این امتیاز دارد یا خیر طوری نباشد که بعد بواسطه نداشتن سرمایه اسباب زحمت شود و برای تجار بقدریکه میتواند باطراف برساند سرمایه دارد یا ندارد و این اول چیزی که در هر شرکتی لازم است که اولاً سرمایه آن شرکت باید معلوم باشد دیگر اینکه میدانیم صنایع در ایران مبتکر است و همه کس مایل است آن منافع را ببرد پس در اینصورت نمیشود بین قسم سربسته بیک نفر انحصار داد در صورتی هم که یک انحصاری بدهند یک حد اقلی معین میکنند که مثلا در صدی ده یا صدی ۲۰ منفعت و عایدی راجع بصاحب امتیاز چون منافع این قبیل چیزها می دانیم خیلی است بجهت اینکه میدانیم بواسطه آن ماشین آلات ممکن است بیه را بصورت صابون یا گله را بصورت عطریات بیاورند و بقیه های گراف بفروشد در صورتیکه خیلی ارزان تمام میشود در صورتیکه میزان خودش معین نباشد آنوقت ممکن است آنکه از خارجه وارد میکند قدری ارزان کند و متاع اینها بکلی میکند برای اینکه میدانیم آنها بیک منفعت

خیلی جزئی هم اکتفا ممکن است بکنند از برای خروج مال التجاره خودشان و در صورتیکه سرمایه صاحب امتیاز معین نمیشد و معلوم نیست اعضاء اقدام را کرده باشد ممکن است بواسطه کمی سرمایه نتواند جنس خود را بیه جا برساند در انصورت کارخانجات خارجی جنس خود را از آن بفروشند و این کارخانه را ببینند سرمایه بیفائده بماند پس باید قبل از وقت سرمایه اینها را معین کرد پس بنده لازم میدانم که در اول امتیاز دو مسئله معین شود یکی میزان سرمایه یکی هم حد اکثری که او منفعت خواهد برد اگر این مسئله را در امتیازات معین کردیم آن وقت ضرری ندارد که یکی از این قبیل امتیازات بمجلس بیاید و بگذرد ضرری ندارد و تصویب شود و انحصار داده شود.

نایب رئیس - بطوریکه در صورت مجلس خوانده شد بریر روز هم این امتیاز نامه قرائت شد لیکن بواسطه عدم کفایت عده و کلا نتوانستیم در آن رأی بگیریم حالا هم با کمال تأسف عرض می کنم عده کافی نیست برای رأی گرفتن بیرون هم از و کلا نیستند که برای رأی گرفتن حاضر شوند (بعضی گفتند عده برای مذاکره کافی است)

حاجی میرزا آقا - امشب مذاکره بقدر کفایت شده و موقع اخذ رأی رسیده عده کافی نه بود حالا باز شروع بهمان مذاکرات شده است.

مفتصر السلطان - بنده می خواستم مختصری در جواب آقای وکیل التجار عرض کنم که فرمودند باید سرمایه تعیین شده باشد تعیین سرمایه راجع بوزیر فواید عامه است راجع بمجلس نیست.

ادیب التجار - بنده عرض می کنم در قرائت اینگونه لوایح باید وزیر فواید عامه حاضر باشند و در موقع لزوم توضیحات بدهند.

حاجی محمد اسمعیل کاشف - روز سه شنبه که این لایحه امتیاز نامه در این جا قرائت میشد ما چون در تلگرافخانه بودیم و حاضر نبودیم بازه عریضی که در این خصوص بنده داشتم باین مجلس افتاد لازم است حالا چند کلمه عرض کنم در ایران تا بحال هر کاری شده است از قبیل آوردن یک کارخانه یا تأسیس یک شرکت یا یک بانک چون اساس صحیحی نداشته باخرن رسیده و اسباب باس عامه شده است خیلی کارها است که آن شروع شده و نتیجه نکرده اند و علتش این بوده که آن تأسیسات یک قانون صحیحی نداشته و در مقابل دولت مشغول نبوده اند و ضامن بکند بگردانده و بنده در این خصوص خیلی تأکید میکنم که این دقمه که در مملکت یک کاری شروع میشود باید دقت کرد که مثل سابق نشود و اسباب باس سایرین مجدداً فراهم نیاید دیگر آنکه بنده عقیده ام برخلاف انحصار است و انحصار را غلط میدانم بجهت اینکه این راجع به تجارت است و تجارت در همه جای دنیا آزاد است علت ندارد که آزادی را در تجارت از تجار بگیریم دیگر آنکه در این راپورت می نویسند انحصار مکانی و این مسئله خیلی توضیحات لازم ندارد لازم است وزیر فواید عامه خودشان حاضر باشد و توضیحات بدهند و

وکیل الرعایا - بنده اگر یک اشتباهی پیش خودم نبود زحمت این مذاکره را با آقایان نمیدادم من یک تشویش بزرگی دارم در آن این است که اینست که قدری این امتیاز در دست میخواهد از آقایان استعدا کنیم که قدری توجه بنمایند که هر قدر ممکن است اسباب ازدیاد این قبیل تأسیسات فراهم شود چیزیکه در امتیاز زیادی است آنرا بریزند و آن انحصار است که بنظر بنده هم زیاد می آید اما باید یک قسم مساءلتی کرد اگر پول داشتیم میگفتم فلان قدر مساعدت مایه بکنیم حالا که دولت یک چنین پولی ندارد پس چه قسم مساعدت کنیم میگوئیم یک انحصاری در یک مدتی که آنها از این فایده ببرد باو داده شود اما اینرا هم باید ملاحظه کرد که انحصار چه مضاری دارد انحصار ضرر سیاسی دارد فقط انحصار در یک چیزی است که آنرا هم من نمیتوانم بگویم در اینجا پس چه قسم باید باو کمک کرد بنظر بنده وقتی کسی اقدامی

مداخله کنند و دلیل انحصار را بگویند که بجهت دلیل تصویب انحصار کرده اند بملامه تمام این ما در این امتیاز لفظ کمیانی دیده میشود و معلوم نیست اعضاء کمیانی کیست و تا چه اندازه می توانند دولت را مطمئن سازند و اینکه نوشته شده است که تا سه سال از تاریخ این امتیاز اگر کمیانی شروع نکند این امتیاز ساقط است این مدت هم زیاد است بجهت اینکه سه سال دست ویای مردم را می بندد و بنده سه ماه راهم زیاد میدانم بجهت اینکه این یک مدت زیادی لازم ندارد خصوصاً حالا که ششید ام تمام اسباب و لوازم این را خریده حاضر کرده اند و در آخر عرض خودم عرض میکنم که باید طوری دقت شود که اسباب یأس مردم فراهم نشود مثل اینکه شرکت عمومی و بانک ملی خیلی مردم را مأیوس کرد

فاتح الملک - بنده برخلاف بعضی از نمایندگان که میگویند این انحصار را نباید داد زیرا که آزادی تجارت را میگیرد یا دست دیگران را می بندد عرض میکنم مادام که این قبیل مساعدتها نشود کسی نمیتواند سرمایه خودش را بفروشد و بفرنگستان فرستاده صرف اینکارها نماید علت اینست که تا بحال هم در این مملکت در این قسم کارخانجات نداشته ایم این بوده که اطمینان نداشته اند معلوم است کسیکه سرمایه خودش را این کارها می اندازد و بطمع نفع اینکار را میکند و مادام که این انحصار نباشد اطمینانی برای آن شخص نیست که این اقدام را بکنند پس اگر می دانید که مدت انحصار زیاد است ممکن است از مدت کار بکاهند و الا بیکدرجه انحصار لازم است اما اینکه فرمودند سرمایه کارخانه صابون بزی باید معین باشد این بدیهی است از وظیفه وزیر فواید عامه است که هم بداند چقدر سرمایه دارند هم بداند چه اشخاصی هستند اعضاء کمیانی اما در خصوص مدت آنرا هم ممکن است اصلاح کنند که یک چنین شخصی چنین امتیازی میخواهد باین شرایط هر کس که تروسه لنتر حاضر است بیاورد باو داده میشود اما در خصوص اینکه کمیسیون معین کنند که بجهت قیمت خواهد فروخت این یک چیز است که با خود کمیانی است بجهت اینکه اگر کران بفروشد مال دیگران حاضر است از آنها بخرند.

در مملکت کرد که دیگری نکرده است و او مبتکر است آنوقت دولت مالیاتی که از او میخواهد بگیرد نمیگیرد او را ده سال ازدادن مالیات معاف میدارد که از این راه باو کمک کرده باشد حالا آقایان خوبست که فقط شور در کلیات نمایند وقتی که بجزئیات رسیدیم آن انحصار را بر میداریم و بجای آن اگر صلاح میدانید اینرا بگذارید که در چند سال مالیات ندهد .

اسدالله میرزا - دومی مسئله بود که بطوریکه لازم بود آقای مخبر که میسیون توضیح نکردند بنده مجبورم عرض کنم اولاً اظهارات جناب وکیلالتجارت را تأیید میکنم و تمام آن صحیح است باید سرمایه آنها وزیر فواید عامه معین کنند اما آنچه اظهار شد در عدم انحصار بنده برخلاف آقایان انحصار را لازم میدانم بجهت اینکه حالا تمام صابونهای که استعمال میشود از قبیل صابون عطری - صابون توالت خیلی کم است و اگر استاتستیک تجارتنی داشتیم میدانستیم که چقدر صابون در کلیه ایران مصرف می شود مادر کمیسیون قدری هم داخل درآمد شدیم و حالا نظرم نیست اگر وزیر فواید عامه حاضر بودند توضیحات میدادند علت اینکه بنده انحصار را مانا و مکاناً لازم میدانم اینستکه این کارخانه روزی سی من خواهد ساخت از روی این حساب شاید محل استعمال تمام ایران بیش از این نباشد در اینصورت اگر ما انحصار ندهیم ممکن است یک نفر دیگر هم یک کارخانه وارد کند در اینصورت روزی سی من که از این کارخانه خارج میشود به علاوه میشود روزی ده من و روزی ده من مصارف کارخانه را که مجزی کنند شاید عایدی نداشته باشد بلکه ضرر کند در اینصورت بواسطه صابون هائی هم که از خارج وارد می شود بعید نیست بکلی یکی یا هر دو کارخانه بخواهد بجهت اینکه ضرر میکنند باین ملاحظه ما انحصار را تجویز کردیم که اسباب یک چنین خسارتی نشود لیکن از برای اینکه در آذربایجان یا فارس و کرمان کسی بخواهد یک کارخانه وارد کند دست و بال آنها را نه بسته باشیم بعضی نقاط را استثنا کردیم و بالاخره عرض میکنم که این مقدار از انحصار را بنده لازم میدانم .

نایب رئیس - خیلی ها اجازه خواسته اند و مذاکره کافی است حالا رای میگیریم در اینکه داخل مباحثه مواد بشویم - (گفتند باید معلوم شود که انحصار هم هست یا خیر)

نایب رئیس - پس مذاکره میکنیم .
مقیم السلطنه - در موقهیکه پریروز در کلیات این لایحه شور میشد نظر باینکه بنده غایب بودم تصور میکردم بعضی نکاتی که جالب سلب این امتیاز باشد ذکر خواهد شد و بنده در اینجا برای انقضای انحصار امروز یک دلیلی که بنده را قانع نماید نشنیدم و تصور میکنم اینکه نمیگذرد این امتیاز بجهت همین کلمه انحصار است و اگر این کلمه برداشته شود زود میگذرد چیزی که ما را خیلی میترساند و تصور میکنم منافی حفظ منافع عامه باشد همین لفظ انحصار است .

مؤمن الملک - بنده گمان میکنم این مسئله خیلی مهم است و اگر دوسه روز هم درین مسئله صحبت کنیم شاید وقت خودمانرا کم نکرده باشیم برای اینکه این مسئله باید معلوم شود که انحصار با

مشروطیت آیا منافات دارد یا خیر گفته شد در این جا باید تشویق کرد نمیدانم چرا باید تشویق کرد آن شخص صاحب امتیاز را باید تشویق کرد بابت تجارت را بنده عقیده ام این است که علاوه بر تشویق اسباب یأس تجار شود قانون انحصار اگر ما بخواهیم این ترتیب را پیش بگیریم اسباب میشود که تجارت در دست یکسکده از سرمایه داران باشد بعضی جاها امتیاز میدهند در بعضی مواقع مخصوص بملاحظه اینکه یکسکده مایه بزرگی لازم دارد مثلاً در خط آهن امتیاز میدهند برای اینکه اولاً در یک مسافت کمی بیست کرور سرمایه لازم دارد از برای حفظ یک سرمایه بزرگی نمیشود انحصار را برداشت بجهت اینکه ممکن است بهلوی آن خط خط دیگری بسازد و اسباب ضرر از بین رفتن سرمایه اولی بشود درین صورت انحصار میدهند اما یک چنین چیزی کدر واقع کسب است برای اشخاص اگر بخواهیم اینرا امتیاز بدیم میتوان گفت درباره آنها ظلم است اگر این مسئله این انحصار را جابجاء بکارخانه قندسازی بود شاید بنده این اعتراض را نمی کردم اما در یک چنین مسئله جزئی نمی توان اجازه داد انحصار داشته باشد بالاخره عرض میکنم که این مسئله تا یک درجه مهم است و باید خوب شکافته شود و تصور میکنم آقای نایب رئیس هم اجازه خواهند داد که در این مسئله مذاکره بشود و اگر امروز تمام نشده بگذاریم بقیه مذاکرات را بروزدیگر و خود شاهزاده اسدالله میرزا که اصرار در انحصار دارند میدانند که در ممالک متمدنه که امروز انحصار است شاید فقط در امریکا باشد و میدانند که اینهم یکی از نواقص قانون آن مملکت است و آقایان اطلاع دارند رئیس جمهور سابق آن مملکت (مستر روزولت) خیلی جد داشت که انحصار برداشته شود بجهت اینکه می گفتند مخالف تمدن امریکاست و تصور می کنم آقای اسدالله میرزا میتوانند بنده را ساکت نمایند یعنی نمی توانند هم ساکت وهم قانع نمایند و بنده بهیچ وجه نمی توانم انحصار را تصدیق و تصویب کنم و همان طور که گفته شد لازم است وزیر فواید عامه در موقع قرائت این لایحه حاضر باشند و توضیحات لازم بدهند .

مقیم السلطنه - اظهار فرمودند آقای مؤمن الملک که دادن این امتیاز یعنی بطور انحصار ممکن است مخالف روح مشروطیت باشد بنده این را قبول نمی کنم بجهت اینکه چنانچه رجوع باصل ۴۴ قانون اساسی نمائیم می بینیم نوشته است اعطاء امتیازات انحصار تجارتنی و صنعتی و غیره با مجلس شورای ملی است اگر دادن امتیاز مخالف با روح مشروطیت بود چه طور در قانون اساسی نوشته می شد که بتصویب مجلس شورای ملی است این اصل یک دلیل بزرگی است بر اینکه دادن امتیازات و انحصارات تجارتنی مخالف مشروطیت نیست و آن مثلی که آقای مؤمن الملک زدند بفاپر یک قند سازی یاراه آهن بنده همان مثل را میزنم از برای هر چیزی که در این مملکت هنوز ساخته نشده و یک نفر مبتکر است که آن کارخانه را وارد نماید لیکن اگر راجع باشد آن انحصار بیک صنعتی که در این مملکت ساخته بنده و جماعتی هم از آن نان میخورند و دادن آن انحصار سبب می شود که آنها از نان خوردن میافتند در این صورت بنده این قسم انحصار

را غلط می دانم لیکن در صورتیکه کسی کارخانه ماهوت باقی یا چیت سازی یا غیر آنها را وارد کند و انحصار بخواهد باید باو داده شود اینرا هم باید ملاحظه کرد که هر قدر ما عجاله از این قسم امتیازات بدیم که در مملکت ما ساخته می شود برای ما نافع است لیکن صابون سازی چیزی نیست که در ایران ساخته شود و معلوم است باینکه در این جایک کارخانه نیست خیلی از صابونها از قبیل صابون عطری و صابون توالت و غیره از فرنگ وارد میشود در صورتیکه یک کارخانه وارد شود که رفع این قبیل احتیاجات را بنماید البته صرف خواهد کرد و اینکه بعضی فرمودند که سرمایه این شخص یا این کمپانی باید معین و معلوم باشد بنده عرض می کنم هیچ وظیفه ما نیست که داخل این جزئیات بشویم به جهت اینکه سرمایه او در ضمن همین ماده که می گوید چنانچه در ضمن مدت یکسال شروع بکار نکند و این امتیاز ساقط خواهد بود ثابت می کند که این آقدر سرمایه خواهد داشت که در این مدت شروع نماید بملاده می گویند که قیمت فروش را معین نمایند یعنی بعضی جاها حد اکثری را که منفعت خواهد بر داشت معین کنند که کران تر نفروشد بنده تصور می کنم این اظهارات بکلی بی موقع است معلوم است در صورتی که کران فروخت و مال دیگران ارزان است بخزند لیکن در آخر عرض باز عرض میکنم آنچه می گویند راجع بمسئله انحصار که مخالف با مشروطیت است مخالفت با مشروطیت ندارد فقط چیزیکه مانع است ما را از تصویب آن این است که صابون سازی در ایران هست و اسباب می شود که بان آنها از دستشان می رود .

حاجی آقا شیرازی - بنده مجبورم تا آخرین درجه امکان مدافعه کنم در خصوص این انحصار آقای مؤمن الملک هم فرمودند که منافی با روح مشروطیت است و بنده می بینم هر دلیلی که برای انحصار ذکر کرده اند فقط تشویق است که می گویند اگر انحصار داده نشود این قبیل کارخانجات در مملکت نخواهد آمد بنده عرض میکنم اول باید دانست که چه باعث بود که سابق بر این این قبیل کارخانجات وارد نمی شد علت این بود که مردم تا این نداشتند از اینکه سرمایه خودشانرا ابراز نمایند وقتی که مردم اطمینان پیدا کردند آنوقت همه قسم وارد می کنند بنده در شیراز خودم دیدم که یک شرکتی در آنجا بود اغلب هم می دانند حکام آمدند جلو گیری کردند و اگر قوه سرمایه آن کمپانی نبود رفع زحمت حکام از آن نمی شد باری بزرگترین تشویقی که لازم است از صاحبان سرمایه بشود همان تأمین است که بآنها داده شود بهر قسم که می خواهند سرمایه خود را بکار انداخته ابراز نمایند پس تشویق انحصار نیست تأمین است و اینکه گفته می شود اگر انحصار داده نشود دیگری ممکن است کارخانه وارد کنند و اسباب ضرر واز بین رفتن سرمایه هر دوشود بنده اینرا نمی فهمم بجهت اینکه معلوم است آن صاحب سرمایه قبل از آوردن یک کارخانه لابد تحقیق میکند که وارد کردن این کارخانه بحال او نافع است یا مضر است پس از اینکه دید نافع است وارد میکند اما جهت ندارد جلوی نفع دیگری را

بگیریم و در صورتیکه نافع ندید البته خود اقدام بفر خود نخواهد کرد و اینکه آقای مؤتمن الملک فرمودند در امر یکا هم انحصار یکی از نواقص قانون آنجاست و افعالمین طور است ما هم اینچا فرض شخصی با کسی نداریم و همین قسم که کرده شد ممکن است دولت مساعدت باین قسم نماید که چند سال از آنها مالیات نکیرد و با آزادی تجارت ضرر وارد نیاریم و ما میگوئیم اساساً انحصار تجارتی منافعی با روح مشروطیت و آزادیست و بنده بنام آزادی تجارت بکلمه انحصار اعتراض میکنم .

منتصر السلطان - آقای مؤتمن الملک دلیلی ذکر کردند که ما انحصار را فقط بکارخانه قندسازی و راه آهن مثلا میتوانیم بدهیم که سرمایه زیاد لازم دارد و بجهت اینکه سرمایه آنها محفوظ بماند آزاد نمیکنند چه عیب دارد که همین قسم ملاحظه حفظ منافع فرد فرد را هم بنمائید و انحصار را تجویز کنید که سرمایه های جزء هم محفوظ مانده بملاوه این قبیل کار خانجات زیاد وارد شود و همین قسم در بعضی آنکه استثنا شده است ممکن است آنوقت دیگران ممکن است که وارد نمایند و جلوی آزادی تجارت را هم نگرفته باشیم .

اسدالله میرزا - همینطوریکه آقای مؤتمن الملک و آقای حاجی آقا گفتند که مخالف مشروطیت است بنده این را مخالفم و عرض میکنم که ما هیچ قسم تأیید نمیکنیم تجارت را حتی کسی که ماشین و اسباب صابون سازی را آورده و در باطوم است و معلم آلمانی هم اجیر کرده حالا نمیخواهند وارد کنند و اینکه اینجا اشاره شد که صابون در اینجا کم مصرف می شود اینطور نیست در مملکت ایران صابون از همه چیز زیاد تر مصرف میشود و صابون کثرت استعمالش ثابت میکند تمدن یک مملکتی را و اینهم مسلم است که هر قدر ترقی کند صابون سازی این مملکت تصور نمیکنم در این چند ساله بطوری ترقی کند که بصابون پیرس انگلیسی برسید پس لازم است که از حالا بهر قسم است ولو ب دادن انحصار تشویق کنیم که وارد کنند این قبیل کارخانجات را آنوقت بواسطه اینکه در ایران صابون سازی از زمان تمام میشود از واردات ما خواهد کاست بجهت اینکه مردم طالب ارزانی هستند بنده بخوبی یاد دارم در ده سال قبل صحافی خوب در ایران نبود فاروس که آمد و اسباب صحافی وارد کرد یک صحاف هم دم سبز میدان بود دید صحافی فاروس ترقی دارد یک اسباب مختصری وارد کرد و یک اندازه صحافی خودش را تکمیل کرد حالا مردم میروند پیش فاروس از برای جلد یک کتاب فاروس میگوید چهار هزار آنصحاف میگوید دو هزار میگیرم باو میدهند و وقتیکه باو انحصار دادیم اولاً وارد میکنند ثانیاً حس رقابت بین تجارت خارجه با اینکارخانه هم در ارزانی هم در خوبی جنس پیدا میشود و از این حیث که مردم طالب ارزانی میباشد این جنس ترقی خواهد کرد .

رئیس - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند که چون جلسه خصوصی امشب داریم میگذاریم بجلسه آتیه یکسوالی حاجی شیخعلی از معاون وزارت داخله دارند .

حاجی شیخعلی - البته خاطر وزارت داخله

هم مسبوق است که تلگرافات هدیده از تجار خراسان وغیره رسیده است در جراید هم درج کرده اند که بعضی از سارقین فارس بطرف طبس و ترشیز حرکت کرده و در آنجا خلی اغتشاش کرده اند باینجهت مال التجاره در طبس مانده و اسباب تعطیل امور تجارت شده است و خیلی از این بابت نگران هستند اهالی آیدار اینخصوص وزارت داخله اقدامات کرده اند یاخیر و این اقداماتی هم که بنده سئوال میکنم نه آن اقدامات سابق را بیان میکنم که فقط بلفظا گفته میشود .

دبیر الملک (معاون وزارت داخله) - سارقین فارس چندبست که طغیان کرده اند و از راه کویر و پشت یزد بطبس رفته اند یکدسته قشون از یزد بمقاب آنها فرستاده شده بملاوه بشوکت الملک هم تلگراف شد که یکدسته سوار چریک بر داشته بمقاب آنها برسوند سردار جنگ هم سرحدات یزد قشون گذاشته که جلو گیری از آنها بنمایند همین قسم حکومت کرمانشاه صد سوار در سر راه آنها گذاشته که از آنطرف هم جلو گیری نمایند امیدواریم باین اقدامات رفع زحمت آنها بشود .

نایب رئیس - موضوع جلسه آتیه شور در راپورت کمیسیون استقراض شور در امتیاز صابون سازی شور در بودجه مجلس حالا مجلس خصوصی داریم (در اینموقع مجلس علنی مبدل بمجلس خصوصی گردید و مجلس علنی ختم شد .)

جلسه ۹۴

صورت مشروح روز شنبه چهارم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸

مجلس سه ساعت بنروب خصوصی و در نیم ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مستشار الدوله علنی شد . صورت جلسه مجلس روز شنبه (۲) را آقای معاضد الملک قرائت کرد .

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ [اظهاری نشده]

[رئیس صورت مجلس را امضاء کردند .]
تلگرافی از لندن از مجلس لرد ها بعنوان آقای رئیس رسیده بود آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند .
 راپورت کمیسیون عریض قرائت شد مشربر اینکه عریضه از آقای وزیر زاده قرائت شد که بواسطه کمالات مزاج و معالجه تقاضای دو ماه مرخصی را از مجلس کرده بودند و نیز عریضه از آقای آقا میرزا احمد قزوینی قرائت شد برای کمالات مزاج و تغییر آب و هوا اجازه دو ماه مرخصی را تقاضا کرده بودند و از انجمن ایالتی خراسان و طبقات اهالی مشهد از تجار و غیره شکایت هدیده از تعدیات حکومت خراسان رسیده که بواسطه تعدیات حکومت رئیس نظمی خراسان نیز استعفا نموده و تشکی از سارقین کرده و در ضمن عزل حکومت را خواسته بودند .

آقا میرزا احمد - بنده خودم هم میخواستم تقاضا کنم که اجازه مرخصی بنده مسکوت عنه بماند .
رئیس - اگر آقای وزیر زاده هم این تقاضا را می کردند که دیگر محتاج برای گرفتن نباشد بهتر است .
وزیر زاده - برای اینکه آقایان نمایندگان

محترم تصور نکنند که برای تفریح این اجازه را خواسته ام اجازه نامه طیب حاضر است که اگر خواسته باشند ارائه بدهم چون مبتلا بیک مرض عصبانی شده ام که خیلی اسباب زحمت بنده را فراهم آورده و در شبانه روز خواب ندارم ولی حال که کمیسیون تصویب نکرد و وجود مرابری خدمات ملیه لازم دانست تقاضای خود را استرداد می نمایم .

اسدالله میرزا - همه آقایان میدانند که وضع قوانین در هر جای عالم برای نظم و آسایش عامه است و ما امروز در این شهر می بینیم یک منظره عظیمی را که خیلی دور از آسایش است اگر چه این مسئله جزء دستور نبوده ولی گمان میکنم آقای رئیس و بعضی از نمایندگان محترم در اینکار شرکت داشته باشند که یک تکلیفی برای اینکار معین کنیم و بتوانیم در خارج مردم را اطمینان بدهیم که متصل صدای آه و ناله زن و مرد را نشنویم دیروز از معاون وزارت داخله در این خصوص سئوالی شد و جوابی هم دادند و اطمینان دادند ولی بدبختانه ما هر چه سئوال می کنیم هی در جواب بما اطمینان میدهند و ما باین خیال که وزراء مسئول داریم و تعهد میکنند و اینکار اصلاح میشود کوشش نکردیم و دچار اینقسم بدبختی ما شدیم و بالا ترین بدبختی ها برای هر نماینده اینست که خودش در اینجا اسوده بنشیند و ببیند موکلین او اسوده نیستند باین جهت از معاون وزارت داخله می خواهم که هر اقدامی که در این راه کرده اند و ترتیبات صحیح را که داده اند و گویا دوسه خودشان را هم آورده اند ارائه بدهند که ببینیم چقدر کندم وارد شده یا تهیه کرده اند و چقدر کندم لازم داریم و ناسر خرمن می توانند بما اطمینان بدهند که کمایت خواهد کرد یاخیر یک بدبختی دیگر که به نظر بنده می رسد این است که مفسدین نوبی مردم می افتند و می کوبند که و کلاه شما چکار میکنند و این از قصور و کلاه شماست که الان نان در این شهر پیدا نمیشود و بمقیده بنده اولیاء امور غفلت کرده اند و همچنین روزنامهجات که بمردم نفهمانیده اند که علت کمی نان چیست و بنده در هیچ روزنامه ندیدم که در اینباب اشاره کرده باشد و بلکه مجلس هم اقدامی نکرده است و آن این است که در آن انقلاب دوره محمدعلی میرزا خالصه جاتی که می بایستی سالی هفتاد هشتاد هزار خروار کندم از محصول آنها وارد انبار شود و برای اینگونه موارد ذخیره باشد عمل نکردند بهمین جهت بود که و کلاه ملت اول حس کردند که گندمی که در این شهر است برای مصارف آن کم است این بود سئوال و استیضاح کردند که در این باب چه اقدامی شده معاون وزارت داخله تعهد کردند و قول دادند که مشغول اقدامات هستند و کندم بقدر کفاف وارد میکنند و خود بنده هم اطلاع داشتم تلگرافات از اطراف رسیده بود و جهان شاه خان با کمال غیرتمندی حاضر شده بود که فوق العاده کندم برساند این بود که مسئله بحران کابینه بمیان آمد و آن اقدامات بی نتیجه ماند و آنهم یکی از بدبختی ها بود که بما خیلی ضرر رسانید و گویا معاونین هم خودشان را مستعفی می دانستند در صورتی که کابینه وقت که